

فعل لازم و متعدی در زبان فارسی

فعل لازم، فعلی است که بدون مفعول، معنی جمله را تمام می‌کند (فعلی که به مفعول نیاز نداشته باشد)
مثال: سعید آمد، علی رفت، سیب از درخت افتاد، احمد جلوی در ایستاده است، بچه‌ها در کلاس سر جای خود نشستند.

فعل متعدی، فعلی است که بدون مفعول معنی جمله تمام نمی‌شود (به مفعول نیاز دارد تا معنی خود را تمام کند) مثال: محمد کتاب را آورد، نسرين نامه را نوشت، زهرا غذا را می‌پزد، کشاورزان کندم را کاشتند.
نکته: به طور کلی نشانه فعل متعدی (را) است.

فعل دو وجهی، برخی فعل‌ها هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار می‌روند؛ شکستن، ریختن، باریدن، پختن:

باران بارید (لازم) / کودک از دیده اشک بارید (متعدی).

آب ریخت (لازم) / او آب را به زمین ریخت (متعدی).

نکته: متعدی ساختن فعل‌های لازم دو راه دارد:

(الف) بن حال + اندن: سوزاندن، خواباندن، دواندن، لرزاندن.

(ب) بن حال + انیدن: سوزانیدن، لرزانیدن، خوابانیدن.

می‌توان فعل متعدی را هم به همین ترتیب دوباره متعدی ساخت! پوشاندن / پوشانیدن، خوراندن / خورانیدن.

• چگونه فعل متعدی را تشخیص دهیم؟

اگر بتوان در مورد فعلی «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را» سؤال کرد، آن فعل متعدی است؛

مثال: احمد آورد. احمد چه چیزی را آورد؟ / احمد دید. احمد چه کسی را دید؟

افعال متعدی به دو بخش معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند؛ معلوم، فعلی که فاعل آن معلوم باشد مثال: شاگردان معلم را در خیابان دیدند.

معلوم و مجهول در زبان فارسی

معلوم، فعلی که فاعل آن معلوم باشد.

مجهول، فعلی که فاعل آن معلوم نباشد. فعل مجهول تنها از فعل متعدی ساخته می‌شود.

فرم کلی فعل مجهول = صفت مفعولی (بن ماضی + ه) + ساخت‌های فعل از مصدر شدن.

زمان فعل مجهول از مصدر شدن تشخیص داده می‌شود.

گذشته:

الف) گذشته ساده مجهول = صفت مفعولی + شد + شناسه: دیده شد، ریخته شدی، کشته شدم.

ب) گذشته استمراری مجهول = صفت مفعولی + می + شد + شناسه: شناخته می‌شد، بازگردانده می‌شدی، آورده می‌شد.

ج) گذشته نقلی مجهول = صفت مفعولی + شده + (ام، ای، است، ایم، اید، اند): کشته شده‌ام.

د) گذشته بعید مجهول = صفت مفعولی + شده + بود + شناسه: سوزانده شده‌است، برگردانده شده بودم.

ه) گذشته التزامی مجهول = صفت مفعولی + شده + باش + شناسه: شکسته شده باشم، خورده شده باشیم.

حال:

و) حال اخباری مجهول = صفت مفعولی + می + ستاک حال شدن (شو) + شناسه: گفته می‌شود.

ز) حال التزامی مجهول = صفت مفعولی + ب + شو + شناسه: کشته شوم، برگردانده شود.

آینده:

ح) آینده مجهول = صفت مفعولی + خواه + شناسه + شد: شنیده‌خواهم شد، بازگردانیده خواهد شد.

نکته ۱: از صیغه‌های فعلی مصدر «داشتن» فعل مجهول ساخته نمی‌شود.

نکته ۲: شکل مجهول فعل «کردن»، «شدن» است و بعضی فعل‌ها شکل مجهول خاص خود را دارند،

مانند: انجام گرفتن: انجام شدن، افزایش یافتن: افزایش دادن، کاهش یافتن: کاهش دادن و